

مطالعه جامعه شناختی سبک زندگی پست مدرن زنان جوان شهر تهران

زهرا سراییان^۱، مهرداد نوابخش*^۲، سید علی رحمانزاده^۳

تاریخ دریافت: ۰۳/۸/۲۵، تاریخ تایید: ۰۳/۹/۱۳

DOI: 10.22034/scm.2024.489037.1821

چکیده

پژوهش حاضر به دنبال مطالعه جامعه شناختی سبک زندگی پست مدرن زنان جوان شهر تهران است و طی آن کوشش شد عوامل اجتماعی موثر بر سبک زندگی پست مدرن این گروه از زنان مورد واکاوی قرار گیرد. رویکرد روش شناختی این پژوهش کمی و از نوع پیمایش، فنون داده یابی با استفاده از پرسشنامه برآمده از مدل نظری گرند تئوری تنظیم شده است و تعداد نمونه ۳۲۰ نفر از زنان جوان شهر تهران بودند که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شده اند. جهت تحلیل داده ها از نرم افزار spss نسخه ۲۷ استفاده شد و طی آن نسبت به توصیف و تحلیل داده ها و در نهایت آزمون فرضیات تحقیق اقدام شد. یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که پدیده سبک زندگی سیال (شناور) تحت تأثیر عوامل متعددی چون: تمایز شدید، سیالیت مصرف، برابری خواهی زنانه، عاملیت زنانگی، لذت پرستی مجازی، مدیریت بدن، سیالیت نیازها، تمایل به بلاگری، هویت سیال و فردگرایی شدید قرار دارد. سبک زندگی سیال (شناور) که به عنوان متغیر وابسته تحقیق حاضر در نظر گرفته شد در حقیقت بیانگر نوعی سبک زندگی پست مدرن است که آن حاصل شرایط و زیست پست مدرن زنان حاضر در این پژوهش است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، پست مدرنیسم، سبک زندگی سیال (شناور)، زنان جوان، تهران

۱. دانشجوی دکتری تخصصی رشته جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. saraeian.edu@gmail.com

۲. استاد تمام گروه جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) * navabakhsh@srbiau.ac.ir

۳. دانشیار گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Salirahmanzadeh@yahoo.com

مقدمه و بیان مسأله

موضوع ارزش های پست مدرنیسم و مؤلفه های آن در فرهنگ اجتماعی، هیچگاه به گستردگی امروز محل بحث و مناقشه نبوده و این از آن روست که شاید صاحب نظران و متفکران این حوزه هرگز این اهمیت را چنین ملموس و گسترده، به صورت تمایز یافته تجربه نکرده بودند. در جامعه امروزی و با گسترش ارتباطات ملی و بین المللی، حوزه مطالعه جدیدی در باب ارزش های پست مدرنیسم و مؤلفه های آن باز شده است. به دنبال صنعتی شدن و فرایند مدرنیته در برخی جوامع، سبک زندگی دستخوش تغییرات بنیادین شده و فراز و نشیب های بسیاری را تجربه کرده است. ارزش های سنتی حاکم بر جوامع پیشاصنعتی مبتنی بر اطاعت، اقتدار، سن سالاری و جنس سالاری به ارزش های مدرن با برابری جنسیتی، پذیرش تغییر نقش زنان و کودکان و تأکید بر استقلال مبدل شده و با ورود برخی جوامع به دنیای فراصنعتی ارزش های فردمحور و پست مدرن نیز به وجود آمده و در حال گسترش است. پس از آن با سر بر آوردن دوره پست مدرنیسم سبک زندگی مدرن نیز رفته رفته به سبک زندگی پست مدرن تغییر یافت و مبتنی بر شاخص ها و ابعاد خاص خودش گسترش یافته است. از نظر پیر بوردیو سبک زندگی «فعالیت نظام مندی است که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می شود، بیشتر جنبه عینی و خارجی دارد، در عین حال به فرد هویتی نمادین می بخشد و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می کند. معنا یا به عبارتی ارزش های این فعالیت ها از موقعیت های آن در نظام تضادها و ارتباطها گرفته می شود» (بوردیو، ۱۹۸۴: ۴۵).

این موضوع با توجه به شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران نیز مورد توجه است چرا که هنوز بخش هایی از جامعه ایران کم و بیش در دنیای سنتی، بخش هایی دیگر در حال گذار از سنت به مدرنیته، بخش های دیگر مدرن و در نهایت بخش دیگری نیز در دنیای پست مدرن زندگی می کنند. لذا از این منظر شاید بتوان چهار نوع سبک زندگی را در جامعه ایران تشخیص داد که عبارتند از: ۱. سبک زندگی سنتی، ۲. سبک زندگی نیمه سنتی-نیمه مدرن، ۳. سبک زندگی مدرن و ۴. سبک زندگی پست مدرن. در واقع، می توان این گونه بیان کرد که غور و بررسی درباره سبک های زندگی رایج در بین افراد حاضر در جامعه ایران این چهار نوع سبک زندگی را به ما نشان می دهد و از این منظر می توان گفت که با توجه به متکثر شدن جامعه ایران یک نوع خاص از سبک زندگی در جامعه رواج ندارد. همچنین بیان این نکته نیز ضرورت دارد که سبک زندگی پست مدرن فقط در بخش هایی از جامعه رواج دارد که در معرض تحولات و تغییرات گسترده ناشی از جهانی شدن، استفاده گسترده از شبکه های مجازی، خودابرازی، خود راهبری، فردگرایی شدید و زندگی شخصی شده قرار دارند.

از سوی دیگر این نکته بسیار اهمیت دارد که سبک زندگی پست مدرن در ذیل تحولات و تغییرات گسترده اجتماعی، فرهنگی و رسانه ای قابل بحث و بررسی است و بدون توجه به این تحولات امکان بررسی سبک زندگی پست مدرن وجود ندارد. در واقع، سبک زندگی پست مدرن برخاسته از شرایط مربوط به تغییرات گسترده ایجاد شده در شبکه های اجتماعی مجازی در سال های اخیر است، تغییرات قابل توجهی که در سراسر جهان از نظر گسترش کمی و کیفی اینترنت،

شبکه‌های اجتماعی و تعداد افرادی که از آن‌ها استفاده می‌کنند، رخ داده است. ایران یکی از کشورهای در حال توسعه است که اینترنت و شبکه‌های اجتماعی در آن رشد چشمگیری داشته است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، بیش از ۴۷ میلیون ایرانی از شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند. بر اساس نتایج اعلام شده از طرف مرکز اسپا، از بین شبکه‌های اجتماعی، واتساپ با ۷۱.۱ درصد پراستفاده‌ترین رسانه کشوری، اینستاگرام با ۴۹.۴ درصد دومین رسانه اجتماعی پراستفاده کشوری، و تلگرام با ۳۱.۶ درصد رتبه سوم را به خود اختصاص داده است (اسپا، ۱۴۰۱).

بررسی تغییرات سبک زندگی در بین زنان جوان شهر تهران مسئله‌ای اساسی است که سبک زندگی خانوادگی در آینده را متأثر می‌سازد. شهر تهران به عنوان یکی از کلان‌شهرهای مهم جهان با جمعیت جوان، مرکز ایران می‌باشد که از دیرباز در ابعاد فرهنگی، مذهبی، تاریخی، ملی، اقتصادی، سیاسی دارای ویژگی‌های شاخصی بوده است. با این وجود شاخص‌ترین بعد هویتی شهر تهران سیال بودن هویتی و سبک زندگی اکثر ساکنین این شهر است. هرچند هنوز لایه‌هایی از جامعه به سنت‌ها وفادارند و یا نوعی آشتی میان سنت و مدرنیته برقرار ساخته و با مدرنیته کنار آمده‌اند و پست‌مدرن را بر نمی‌تابند، اما از سوی دیگر ناآرامی‌های چند سال اخیر و رفتارهای جمعی بروز یافته به ویژه در رفتارهای بخشی از زنان جوان نشان از تغییراتی اساسی در سبک زندگی گذشته بانوان دارد که فراتر از مدرن است. پرسش اصلی این است که عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر سبک زندگی پست‌مدرن زنان جوان شهر تهران کدامند؟ و این که هر یک از عوامل مورد نظر چه سهمی در این تأثیرگذاری دارند؟

پیشینه پژوهش

مروری بر پیشینه‌های تحقیقی در زمینه سبک زندگی نشان از این موضوع دارد که مطالعات مربوط به سبک زندگی پست‌مدرن اندک بوده و همچنان نیاز به انباشت مطالعاتی در این زمینه کاملاً احساس می‌شود. از این رو، تطبیق و قیاس پژوهش‌های انجام شده با پژوهش حاضر قیاس کاملی نیست. بنابراین سعی شده تا به مرتب‌ترین پیشینه پژوهشی با موضوع مورد نظر اشاره شود. به هر روی، در ادامه به برخی از مهم‌ترین این مطالعات متناسب با سؤالات تحقیق اشاره می‌شود. جمیله فدوی (۱۴۰۲) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و نوع سبک زندگی با متغیر میانجی شخصیت زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران نتیجه گرفت که نوع، میزان مصرف و محتوای شبکه‌های اجتماعی مجازی بر سبک زندگی زنان تأثیرگذار است و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تغییر در سبک زندگی زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله شده است و اینستاگرام به دلیل تصویر محور بودن آن، بیشترین تأثیر را در مخاطب و سبک زندگی وی گذاشته است. سمانه کوهستانی (۱۴۰۲) در رساله دکتری خود با عنوان رسانه‌ای شدن زندگی روزمره (مطالعه‌ای بر سلب‌ریتی‌های ایرانی در شبکه‌های اجتماعی مجازی) به نتایج زیر دست یافت: عملکرد میکروسلب‌ریتی‌ها در اینستاگرام ایرانی در قالب سه تفسیر ۱. کالایی شدن و مصرف ۲. کنشگری و مقاومت نمادین و ۳. دیالکتیک کالایی شدن و مقاومت می‌گنجد. مرجان ربیعی (۱۴۰۰) در رساله دکتری خود با عنوان مطالعه فرایند هویت‌یابی و سیاست زندگی زنان در شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: زنان کاربر اینستاگرام) به ۵ مقوله اصلی شامل «انتخاب نمایش خود در زیست جهانی

زنانه»، «اینستاگرام، ساحت تعامل با مخاطب تأثیر گذار»، «بازنمود سبک و سیاست زندگی»، «بازسازی معنا و هویت یابی فرایندی» و «بازسازی تعاملات حوزه زندگی خصوصی» دست یافت. کرم حبیب پور گتایی و رضا صفری شالی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان سنخ شناسی سبک زندگی زنان شهر تهران نتیجه گرفتند که سبک زندگی بین طبقات اقتصادی و اجتماعی مختلف در بسیاری از حوزه متفاوت است و مناطق شهر تهران از حیث سبک زندگی در ۶ خوشه طبقه بندی می شوند. محسن نیازی و هادی افرا (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان بازسازی معنایی هویت شخصی پست مدرن در شهر بجنورد به نتایج زیر دست یافتند: یافته‌های به دست آمده با استفاده از نظریه زمینه‌ای شامل ده مقوله عمده مصرف محوری، نسبی-گرایی، سیالیت، تفکر بازاندیشانه، گروه مرجع، خود بیانگر باوری، هویت گزینشی، رسانه‌های همگانی، رضایتمندی و سبک زندگی است. مقوله هسته این بررسی «هویت شخصی پست مدرن» است که سایر مقولات عمده را دربر می گیرد. نظریه زمینه‌ای به دست آمده در قالب مدل پارادایمی ارائه شده است. علی شیرخانی و خدیجه برزگر (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان پست مدرنیسم و هویت سیال فمینیسم نتیجه گرفتند که در فضای پست مدرن و انکار فراروایت ها هویت نیز تاز جمله مقولاتی بود که به سیالیت مورد نظر فمینیست ها دست یافت. مدیری و مهدوی (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان «بررسی نسلی ارزش های پست مدرن خانوادگی و عوامل اثر گذار بر آن با تاکید بر نقش دین داری» پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد: ارزش های پست مدرن خانوادگی در نسل اول در ۱۹/۹ درصد افراد و محدود به پذیرش سقط جنین و لذت فردی بوده، در نسل دوم در ۴۹/۴ درصد و در نسل سوم در ۷۱/۲ درصد مشاهده شده و به پذیرش تساهل و تسامح در امور جنسی نیز تسری یافته است. ارزش های پست مدرن خانوادگی در هر سه نسل متأثر از مجموعه ای از متغیرهای اقتصادی اجتماعی و دین داری بوده و در نسل سوم به طور معناداری متأثر از مصرف رسانه نیز هست. آریتا لاجوردی (۱۳۹۶) در پایان نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام نتیجه گرفت که: زنان و دختران با نمایش تجارب روزمره و نقش های گوناگون خود هم چون نقش های خانوادگی، شغلی، تحصیلی و... در فضای عمومی شبکه‌های اجتماعی به دنبال غلبه بر تصویرسازی‌های سنتی پیشین و ارائه تعریفی نو از زندگی زن ایرانی هستند. دهبانی پور و خرم پور (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان «بررسی مؤلفه های پست مدرنیسم و عوامل مرتبط با آن (مطالعه ی موردی: جوانان شهر یزد)» پرداختند. یافته های تحقیق نشان می دهد از میان پنج مؤلفه ای که در این تحقیق به عنوان مؤلفه های فرهنگ پست مدرن در نظر گرفته ایم، مؤلفه های مصرف گرایی، بازاندیشی و نسبی گرایی فرهنگی تا حدودی در جامعه مورد بررسی رسوخ کرده اند. مقاله شاروف و همکاران (۲۰۲۱) به تحلیل پتانسیل شبکه‌های اجتماعی مجازی برای توسعه شایستگی اجتماعی در بین جوانان می پردازد. نویسندگان نتایج نظرسنجی را در مورد استفاده دانشجویان از شبکه‌های اجتماعی مجازی برای ارتباط مورد بحث قرار می دهند. نتایج مشاهدات و پرسشنامه‌ها این پیشنهاد را تایید می کند که میزان زمانی که جوانان صرف ارتباط آنلاین و گشت و گذار در اینترنت می کنند در حال افزایش است. نتایج این نظرسنجی نشان داد که ۱۰۷ دانشجو از سال اول تا چهارم تحصیل در یک دانشگاه تربیت معلم (اوکراین) اغلب با مرور دو تا چهار بار در روز در شبکه‌های اجتماعی مجازی (۵۱.۴ درصد) در این شبکه‌ها می مانند. نزدیک به یک سوم دانشجویان دائماً در شبکه‌های اجتماعی حضور دارند. طبق بررسی این تحقیق، محبوب ترین شبکه‌های مجازی در بین دانشجویان اوکراینی،

اینستاگرام (۸۳.۱٪) و فیس بوک (۲۸٪) بوده است. نتایج مشخص می‌کند دانشجویان با کمک شبکه‌های اجتماعی، به‌طور فعال با همکلاسی‌های خود (۸۰.۴٪)، دوستان و خانواده (۷۸.۵٪) ارتباط برقرار می‌کنند. هرنا هال (۲۰۱۳) در رساله دکتری خود با عنوان تأثیر پست مدرنیسم بر عملکرد اجتماعی جوانان با تأکید بر سبک زندگی آنان به این نتایج دست یافت که سبک زندگی پست مدرن با ویژگی‌های کلیدی و مهمی چون: خود راهبری، تأکید بر روی نیازهای فردی، فردگرایی، تنه‌ایستی، خودتشخیصی، ترجیحات شخصی، سیال بودن امور، هویت شخصی و بازاندیشانه قابل‌بازشناسی و بررسی است. دان و همکاران (۲۰۱۲) در تحقیق خود با عنوان «جامعه‌ی پست مدرن و فرد: ویژگی ساختاری جامعه‌ی پست مدرن»، به این نتیجه دست یافته‌اند که قرار گرفتن در معرض تکنولوژی و عقاید مادی با تکثر و تعدد خود افراد در ارتباط است. همچنین تجارب روزمره زندگی با تصور از هویت خود در زندگی دوران مدرن مرتبط است.

نقد و بررسی تحقیقات پیشین

واقعیت این است که هیچ کدام از پژوهش‌های صورت گرفته به‌طور مستقیم به سبک زندگی پست مدرن نپرداخته‌اند و از این جهت فقط به صورت غیر مستقیم برخی تحقیقات اشاراتی در خصوص برخی مولفه‌ها و شاخص‌های این نوع سبک زندگی داشته‌اند. به دیگر سخن بیش‌تر تحقیقات انجام شده بیش از همه درصدد بازنمایی سبک زندگی مدرن بوده‌اند و هنوز نتوانستند یا نخواهند فضای پست مدرن را در رابطه با سبک زندگی زنان مورد واکاوی قرار دهند. شاید هم تصور بر این بود که چون هنوز جامعه ایران وارد فضای پست مدرن نشده است لذا تحقیق درباره این نوع سبک زندگی نیز چندان واقعیت نداشته باشد. ضمن این که عدم پرداختن به نظریات جامعه‌شناسی در حوزه سبک زندگی پست مدرن از جمله خلاءهای موجود در تحقیقات پیشین بوده است که جا دارد این خلاء به خوبی پوشش داده شود.

چارچوب نظری پژوهش

در ادبیات جامعه‌شناسی سه دیدگاه و پارادایم متفاوت در مطالعه سبک زندگی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان دیدگاه‌های کلاسیک، معاصر و متأخر دسته‌بندی نمود. براین اساس دیدگاه کلاسیک‌ها درباره سبک زندگی را بیش از همه می‌بایست در قالب مدرنیته اولیه صورتبندی نمود، دیدگاه‌های جامعه‌شناسان معاصر را در قالب مدرنیته ثانویه و در نهایت دیدگاه‌های جامعه‌شناسان متأخر را در قالب پست مدرنیسم مورد واکاوی قرار داد. ضمن این که تذکر این نکته ضرورت دارد که دیدگاه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک درباره سبک زندگی بیش از همه در ارتباط با تولید و طبقه قابل بحث و بررسی است. دیدگاه‌های معاصر جامعه‌شناسی با عبور از بحث تولید و طبقه به سمت وسوی مصرف و هویت بازاندیشانه و انتخاب‌گری چرخش می‌یابد و در نهایت دیدگاه متأخر به بحث‌هایی چون ترجیحات شخصی، فردگرایی، شخصی شدن، مصرف‌نمایی، خودراهبری و دیگر موارد مشابه می‌پردازد. در این راستا، سه برداشت زیر از سبک زندگی وجود دارد: ۱. روایت نخست؛ در این روایت که سبک زندگی ناشی از مدرنیته اولیه است سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و بیش‌تر شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است. ۲. روایت دوم؛ در این روایت سبک زندگی ناشی از مدرنیته ثانویه است، سبک زندگی شکل اجتماعی نوینی تلقی می‌شود که فقط در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد. ۳. روایت سوم؛ در روایت سوم است که سبک زندگی پست مدرن آشکار می‌شود با مصرف‌نمایی، سرسام مصرف، سیالیت اشیاء، سیالیت نیازها، سیالیت مصرف، لذت‌پرستی، انتخاب

گری، ترجیحات شخصی، هویت بازاندیشانه، تعارض هویتی، وندالیسم مجازی، ولگردی مجازی، خودراهبری، فردگرایی شدید، بدنمندی و تمایز شدید مرتبط است. این نوع سبک زندگی را به نوعی می توان سبک زندگی سیال (شناور)، ناپایدار یا "جامعه‌نمایشی" آن گونه که ژان بودریار جامعه شناس فرانسوی گفته است، نیز نامید.

روایت نخست سبک زندگی-سبک زندگی ناشی از مدرنیته اولیه

مفهوم سبک زندگی در آغاز توسط جامعه شناسانی چون ماکس وبر، جرج زیمل و تورشتاین ویلن به کار رفت که به نوعی روایت و برداشت اولیه از این مفهوم بود که بیش از همه در قالب موقعیت طبقاتی و اجتماعی افراد و در واقع شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی آنان بوده است. جرج زیمل، با تشبیه زندگی اجتماعی در جامعه مدرن به میدانی برای مبارزه، مُد را ابزاری می‌داند که تطابق افراد با پیچیدگی‌های زندگی مدرن را تضمین می‌کند. از نظر او، مُد به منزله تمایز طبقاتی نه تنها فرد را به مثابه عضوی از یک طبقه خاص متمایز می‌کند، بلکه عدم عضویت او در گروه‌های دیگر را نیز برجسته می‌سازد. مُد وسیله‌ای را فراهم می‌سازد که افراد از طریق آن هم جنبه‌های از هویت خویش ابراز می‌دارند و هم به کمک آن تعاملات اجتماعی خود را می‌سازند (ذکائی، ۱۳۸۶: ۱۵۰). «ویلن در جایی، سبک زندگی را الگوی رفتار جمعی می‌داند. این رفتارها از جنس رسوم و عادات اجتماعی و روش‌های فکری اند (ویلن، ۱۸۹۹). همچنین مفهوم سبک زندگی حاصل بسط تأملات وبر درباره گروه‌های منزلت است. این سبک زندگی در انتظارات خاصی که گروه منزلت از اعضای خود دارد بیش‌تر نمایانده می‌شود. این انتظارات افراد گروه منزلت را به تعامل اجتماعی و رفتار در محدوده‌ای خاص متعهد می‌کند. بحث وبر درباره مصرف از همین جا آغاز می‌شود. وی دریافت که سبک زندگی بیش از آن که بر تولید (رهیافت مارکسی) استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف کردن موثر است؛ اما ضرورتاً تعیین کننده آن نیست (Cockerham, Rutten & Abel, 1997: 324).

روایت دوم از سبک زندگی-سبک زندگی ناشی از مدرنیته ثانویه

در روایت دوم از سبک زندگی که از دهه‌های هشتاد و نود میلادی آغاز می‌شود با آثار نظریه‌پردازان اجتماعی و فرهنگی معاصر مانند آنتونی گیدنز، پیر بوردیو (Bourdieu, 1984)، فدرستون (Featherston, 1991)، شیلدز (Shields, 1992)، رایمر (Reimer, 1995)، چنی (Chaney, 1996) و باکاک (۱۹۹۳) غنای هر چه بیش‌تری می‌یابد. بحث سبک زندگی در روایت دوم آن به معنای عبور از تعیین جایگاه طبقاتی افراد به سمت مصرف، سلیقه و ترجیحات مطرح شده است. به گفته پیر بوردیو، هر چند که سبک‌های زندگی ظاهراً به طور مستقل بر ساخته می‌شوند و شکل‌هایی از عمل فرهنگی هستند که به صورت تأملی پیکربندی می‌شوند، ولی پیوند تفکیک ناپذیری با تجربه‌های مربوط به طبقه دارند. «چنی» سبک زندگی را نشانگر تأمل‌گری فزاینده‌ای قلمداد می‌کند که افراد در عمل و دادوستدهای زندگی روزمره به نمایش می‌گذارند. تمایزی که چنی بین سبک‌های زندگی و روش‌های زندگی می‌گذارد، برای تفسیر او از سبک زندگی بسیار مهم است. بر همین مبناست که چنی استدلال می‌کند که سبک‌های زندگی «برنامه‌های اخلاقی» هستند که بر پایه «نمایش توانش و صلاحیت مصرف کننده» استوارند، در حالی که روش‌های زندگی، نوعاً به اجتماع کم و بیش پایداری تعلق می‌گیرند و در شکل‌هایی هم‌چون هنجارها و مناسک مشترک، و الگوهای نظم اجتماعی و شاید گویش جداگانه‌ای، به نمایش در می‌آیند (Chaney, 1996: 92).

عمده ترین میراث اندیشه بوردیو برای جامعه‌شناسی مصرف و تحلیل سبک‌های زندگی، تحلیل ترکیب انواع سرمایه برای تبیین الگوهای مصرف، بررسی فرضیه تمایز یافتن طبقات از طریق الگوهای مصرف و مبنای طبقاتی سلاقی و مصرف فرهنگی است. از سوی دیگر تأکید بوردیو بر الگومند بودن اعمال مصرف که نتیجه الزامات منش است الهام‌بخش تکنیک‌های پژوهش درباره الگوهای سبک زندگی بوده است (فاضلی، ۱۳۸۲: ۴۶). سبک زندگی شامل اعمال طبقه‌بندی شده و طبقه‌بندی کننده فرد در عرصه‌هایی چون تقسیم ساعات شبانه روز، نوع تفریحات و ورزش، شیوه‌های معاشرت، اثاثیه و خانه، آداب سخن گفتن، راه رفتن و... است. در واقع عینیت یافته و تجسم یافته ترجیحات افراد است. از یک سو سبک‌های زندگی شیوه‌های مصرف عاملان اجتماعی‌ای است که دارای رتبه‌بندی‌های مختلفی از جهت شأن و مشروعیت اجتماعی هستند. این شیوه‌های مصرفی بازتاب نظام اجتماعی سلسله‌مراتبی است؛ اما چنانچه بوردیو در کتاب تمایز بر حسب منطق دیالکتیکی نشان می‌دهد مصرف صرفاً راهی برای نشان دادن تمایزات نیست، بلکه خود راهی برای ایجاد تمایزات نیز هست (باکاک، ۱۳۸۱: ۹۶). همچنین رابرت باکاک در کتاب «مصرف» (Consumption) (۱۹۹۳) بر این نظر است که درگیری کشورهای مختلف در دو جنگ جهانی اول و دوم مانع توجه متفکران به مقوله مصرف گردید. بعد از سال‌های دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود که موضوع مصرف مورد نقد و بررسی جامعه‌شناسان بطور جدی قرار گرفت (مصرف در خلال دهه هشتاد، در جامعه‌شناسی و بیش‌تر از آن در نظریه اجتماعی یک مفهوم مهم شد» (باکاک، ۱۳۸۱: ۴).

آنتونی گیدنز جامعه‌شناس بریتانیایی در کتاب‌هایی چون تجدد و تشخیص و پیامدهای مدرنیت و برخی آثار دیگر به موضوع سبک زندگی پرداخته است. به تعبیر گیدنز، جهت‌گیری جامعه‌شناسی معاصر به سمت پذیرش اهمیت رو به افزایش حوزه مصرف و فعالیت‌های سبک زندگی در شکل دادن به هویت شخصی و جمعی است. گیدنز در تعریف سبک زندگی می‌نویسد: «مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را بر می‌آورد، بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود برگزیده است، در برابر دیگران متجسم می‌سازند. سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد، چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است و در عمل نه فقط از نسل گذشته تحویل گرفته نمی‌شود، بلکه پذیرفته می‌شود. سبک‌های زندگی به صورت عملکردهای روزمره در می‌آیند، عملکردهایی که در نوع پوشش، خوراک، طرز کار و محیط‌های مطلوب برای ملاقات با دیگران تجسم می‌یابند. ولی این امور روزمره در پرتو ماهیت متحرک هویت شخصی به طرز بازتابی در برابر زندگی روزانه - چه بیوشم، چه بخورم، در محیط کار چگونه رفتار کنم، پس از پایان کار با چه کسی ملاقات کنم - همه در تعیین و تنظیم امور روزمره مشارکت دارند. همه این‌گونه انتخاب‌ها و همچنین انتخاب‌های مهم‌تر و سرنوشت‌سازتر تصمیم‌گیری‌هایی هستند که ما نه فقط درباره چگونه عمل کردن، بلکه درباره چگونه بودن خویش به مرحله اجرا می‌گذاریم» (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۰).

روایت سوم؛ سبک زندگی پست مدرن

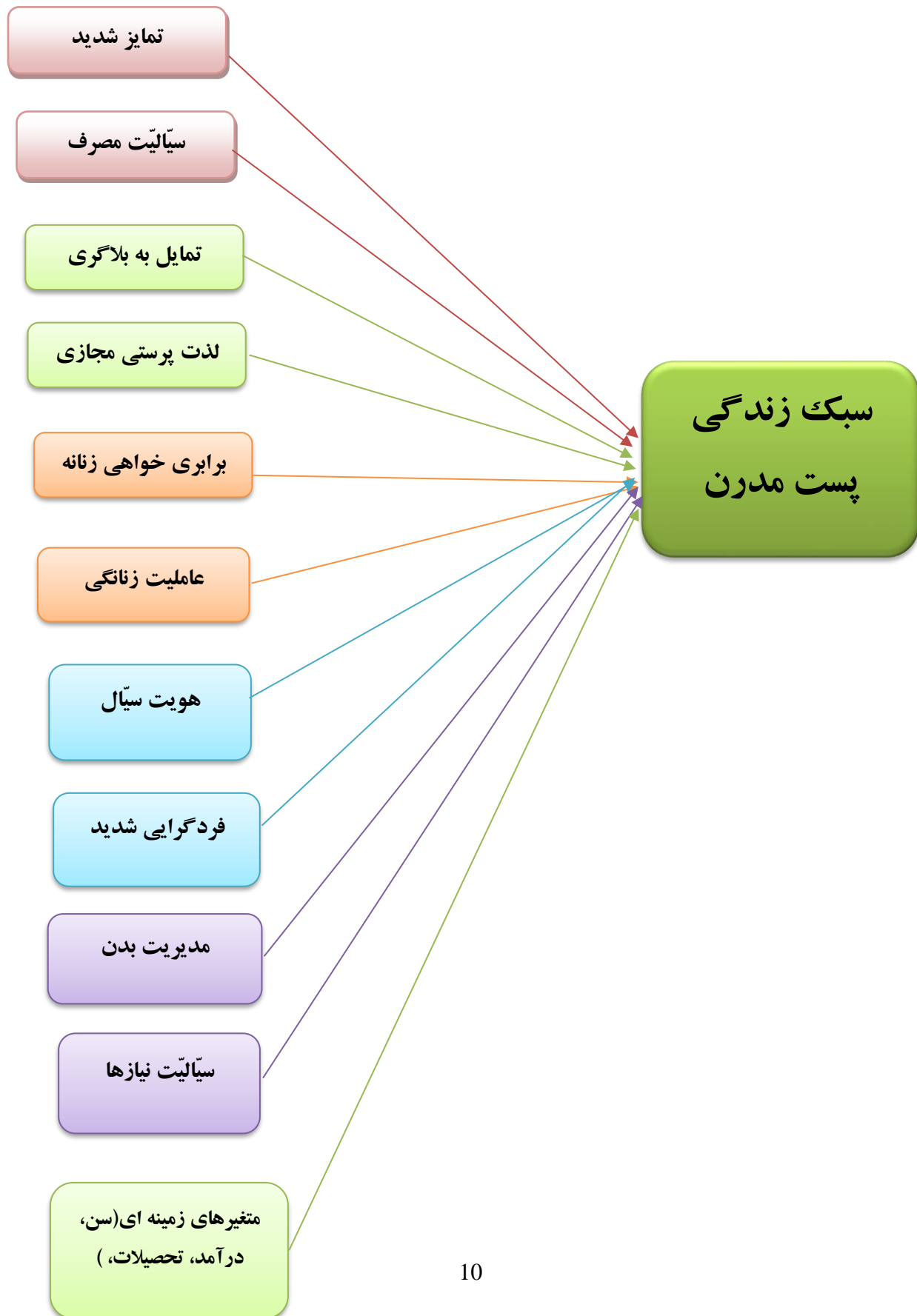
مری داگلاس یکی از صاحب‌نظران حوزه انسان‌شناسی، بحث سبک زندگی را بیش از همه در قالب بحث پاکی و خطر مورد بررسی قرار داده است. ایشان بدن را به مثابه یک متن فرهنگی در نظر می‌گیرد که ارزش‌های فرهنگی، اشتغالات و

اضطراب‌های یک فرهنگ خاص را منعکس می‌سازد و تجلی عینی بدن می‌بخشد و از طریق آن می‌توان یک نظام را شناخت (ذکایی، ۱۳۸۶). داگلاس بدن را نمادی از جامعه می‌داند و معتقد است که بدن بهترین تصویر قابل دسترس از جامعه است. بدن مملو از نمادها و استعاره‌هاست و در آن می‌توان مطابقتی میان استقرار محدودیت‌های جسمانی در یک طرف و نظم اجتماعی در طرف دیگر مشاهده نمود. محور نگاه انسان‌شناسی داگلاس پرسش از بدن به مثابه‌ی منعکس کننده نظام طبقاتی است. داگلاس بیش از هر کسی توانسته است ویژگی‌های نمادین بدن را آشکار سازد. بدن اجتماعی، شیوه‌هایی که در آن بدن درک می‌شود و تجربه‌ی فیزیکی بدن را مشخص می‌کند؛ که خود این تجارب از طریق طبقه‌بندی‌های اجتماعی تعیین و اصلاح می‌شوند (Douglas, 1996: 69). داگلاس بدن انسان را ابزاری برای تفکر در خصوص روابط استعاری می‌داند و معتقد است که بدن انسان منبع مهمی از استعاره‌ها درباره سازمان یافتگی و سازمان‌نیافتگی جامعه است. بنابراین بدن‌های سازمان نیافته سازمان نیافتگی جامعه را نشان می‌دهد (Turner, 1996: 26). ژان بودریار از جمله نظریه پردازان حوزه پست مدرن در زمینه سبک زندگی است. ژان بودریار، نظریه پرداز مشهور پست مدرنیسم، ادعا می‌کند که ما اکنون در عصر تازه‌ای از شبیه‌سازی هستیم؛ عصری که رایانه‌ای شدن، پردازش اطلاعات، رسانه‌ها و سیستم‌های کنترل سبیرنتیکی و سازماندهی اجتماع بر اساس رمزگان و الگوهای شبیه‌سازی، جایگزین تولید به مثابه اصل سازمان دهنده جامعه شده است. اگر مدرنیته دوران تولید تحت کنترل بورژوازی صنعتی است، عصر پسا مدرن - عصر شبیه‌سازی‌ها - دوران اطلاعات و نشانه‌هایی است که تحت حاکمیت الگوها، رمزگان و سبیرنتیک قرار دارند (بست و داگلاس، ۱۳۸۱: ۱۸۱). از نظر ایشان امروزه مصرف بر تمام وجوه زندگی ما چنگ انداخته است. از نظر بودریار مصرف رشته‌ای از اشیاء ساده نیست، بلکه سلسله‌ای از دال‌ها است، زیرا این اشیاء برای یکدیگر حکم فراشیء پیچیده‌تری را دارند و برای مصرف کننده، انگیزه‌های پیچیده‌تر را پدید می‌آورند. مصرف کننده از یک شیء به سمت شیء دیگر می‌رود، او در حساب اشیاء گرفتار می‌شود (بودریار، ۱۳۸۹: ۱۷). بودریار مکان مصرف را زندگی روزمره می‌داند که در آن افراد به مصرف و تفسیر نشانه‌ها می‌پردازند. مکان مصرف، چیزی جز زندگی روزمره نیست و زندگی روزمره یک نظام تفسیری است. هنگامی که تمام اجتماع، شهری شود و هنگامی که ارتباطات به حد کمال خود برسد، نیازها بر اساس خط مجانب عمودی رشد پیدا می‌کنند، بر پایه این سیر صعودی و این واکنش زنجیره‌ای تمایزآمیز که ناشی از دیکتاتوری مد است، شهر به یک مکان هندسی تبدیل می‌شود. تراکم انسانی به خودی خود جذاب است اما بویژه گفت‌وگوهای شهری چشم و هم چشمی است: انگیزه‌ها، امیال، برخوردها، محرک‌ها، داوری بی‌وقفه دیگران، اطلاعات، درخواست‌های تبلیغاتی، همه این‌ها سازنده‌ی نوعی سرنوشت انتزاعی مشارکت جمعی بر روی یک زمینه رقابت عام هستند. تمرکز شهری به بروز نامحدود نیازها منتهی می‌گردد. به لطف این تنش مداوم بین نیازهای رقابتی و تولید، و نیز به لطف تنش ناشی از فقر روانی، نظم تولید به گونه‌ای سامان می‌یابد که فقط نیازهای متناسب با آن بوجود می‌آید و ارضا می‌شود (بودریار، ۱۳۸۹: ۸۶).

زیگموند باومن که خطوط کلی جوامع پیشامدرن، مدرن و پست مدرنیسم را ترسیم می‌کند، مشخصه پیشامدرنیته را در کمال اختصار، جامعه‌ای تمرکززدایی شده و قطعه قطعه می‌خواند. مشخصه مدرنیته سیستم چندساحتی کنترل است که شامل حقوق، استراتژی‌های انضباطی و کنترل ایدئولوژیک می‌شود. به گفته باومن روشنفکران در شرایط مدرن،

ایدئولوژی‌هایی را به وجود می‌آورند که سیاست و اهداف دولت را توجیه کند، اما در دوران پست مدرنیسم، کنترل اجتماعی است تا اقدامات سرکوبگرانه دولت یا ارزش‌های فرهنگی مشترک. در «اغوا» بیشتر متگی به عصر پست مدرنیسم، انسجام اجتماعی و وفاداری نهادی شهروندان را قدرت بازار تضمین کرده و نیازها، تمایلات، هویت‌ها و سبک‌های زندگی اجتماعی انسان‌ها به مصرف‌پیوند خورده است. باومن پست مدرنیسم را گسترش وجوه پنهان یا حاشیه‌ای مدرنیته می‌داند. ارزش‌های گزینش، گوناگونی، انتقادی بودن، بازاندیشی و عاملیت، ارزش‌های مدرنی هستند که در فرانوگرایی نیز حفظ می‌شوند. اما تعارض عمیقی میان نوگرایی و پست مدرنیسم وجود دارد. دوران پست مدرنیسم، دوران تکثر، ابهام، تردید، عدم قطعیت و تصادفی و گذرا بودن است (سیدمن، ۱۳۹۱: ۲۵۲). از نظر باومن، ویژگی‌های اخلاقی جامعه پست مدرنیسم به شرح زیر است: ۱. مردم نه خوبند و نه بد، بلکه از لحاظ اخلاقی متزلزل یا ناهمخوان هستند. ۲. پدیده‌های اخلاقی باقاعده و تکرارشونده نیستند. ۳. اخلاق ذاتاً آکنده از تناقضات و تضادهایی است که نمی‌توان بر آنها غلبه یا آنها را حل کرد. ۴. چیزی به نام اخلاق جهانی وجود ندارد. ۵. از دیدگاه عقلانی، اخلاق غیرعقلانی است و غیرعقلانی خواهد ماند. ۶. مبنای نظام اخلاقی باومن این است که شخص پیش از آن که امکان «با دیگری بودن» را داشته باشد باید برای «دیگری» باشد (ریتر، ۱۳۸۹: ۴۰۴).

یکی از مؤلفه‌هایی که باومن به عنوان مؤلفه انسان پست مدرنیسم به آن می‌پردازد، سیالیت روابط است. باومن در کتاب «عشق سیال» سیالیت و ناپایداری خارق‌العاده پیوندهای انسانی، احساس نامنی ناشی از این ناپایداری و امیال متضاد ناشی از این احساس مبنی بر تحکیم پیوندها و در عین حال سست نگهداشتن آنها را مورد توجه قرار می‌دهد (باومن، ۱۳۸۴: ۱۰). به عقیده او در جهان فردیت بخشی بی‌امان‌ما، روابط هم‌خوبند و هم‌بد. روابط میان رؤیایی شیرین و کابوس در نوسانند و مشخص نیست چه زمانی یکی از این دو به دیگری بدل می‌شود. در واقع افراد در دنیای جدید به دنبال شریک زندگی هستند و برای فرار از ناراحتی و ناپایداری وارد روابط می‌شوند، اما درمی‌یابند که اکنون ناپایداری دردناک‌تر و ناراحت‌کننده‌تر از قبل است. همچنین باومن به فرهنگ مصرفی و سرمایه‌داری در دنیای مدرن اشاره می‌کند؛ چنان‌که گویی این نگرش به روابط انسانی نیز گسترش پیدا کرده و افراد یکدیگر را به صورت کالا می‌بینند. همان‌گونه که کالاها تاریخ مصرف دارند، گویی روابط نیز دارای تاریخ مصرف هستند و حتی اگر تاریخ مصرف آنها هنوز تمام نشده باشد، ممکن است گزینه‌های بهتر و جدیدتری برای رابطه پیش بیاید (باومن، ۱۳۸۴: ۳۱). بنا بر آن چه گفته شد، در نظریه‌های اندیشمندان پست مدرن، پنج مؤلفه زوال عاطفه، سیالیت روابط، نسبی‌گرایی، بازاندیشی و مصرف‌محوری برای تمایز جامعه پست مدرن از جامعه سنتی و مدرن بیان شده است.



فرضیات تحقیق

۱. به نظر می رسد که میزان تمایز شدید در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۲. به نظر می رسد که میزان سیالیت مصرف در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن تأثیر گذار است.
۳. به نظر می رسد که میزان تمایل به بلاگری در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن تأثیر گذار است.
۴. به نظر می رسد که میزان لذت پرستی مجازی در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۵. به نظر می رسد که میزان برابری خواهی زنانه در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۶. به نظر می رسد که میزان عاملیت زنانگی در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۷. به نظر می رسد که میزان هویت سیال در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۸. به نظر می رسد که میزان فردگرایی شدید در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۹. به نظر می رسد که میزان مدیریت بدن در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۱۰. به نظر می رسد که میزان سیالیت نیازها در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.
۱۱. به نظر می رسد که متغیرهای زمینه ای (سن، میزان درآمد و تحصیلات) زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

روش پژوهش

یکی از روش های تحقیق که زیرمجموعه روش های اثبات گرایی قرار می گیرد پیمایش و استفاده از پرسشنامه است که در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع، هدف های پژوهش، فرضیه های تدوین شده، ملاحظات انسانی، اخلاقی و مواردی از این دست که ناظر بر موضوع تحقیق و وسعت و امکانات اجرایی آن است، از شیوه کمی و روش پیمایش استفاده شده است. لذا در تحقیق حاضر با استفاده از روش کمی پیمایش کوشش شده است داده های مورد نظر در بین زنان جوان شهر تهران جمع آوری و سپس مورد تحلیل قرار گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان جوان واقع در سن ۱۸ تا ۳۵ سال ساکن در شهر تهران در سال ۱۴۰۳ بوده که رقم برآورد شده از نتایج سرشماری نفوس شهر تهران به تعداد ۲۵۳۴۶۹۸ نفر است. از تعداد جامعه آماری به کمک فرمول کوکران و یا جدول مورگان حجم نمونه به دست آمد و طی آن با تعداد ۳۲۰ نفر از زنان جوان ۱۸ تا ۳۵ سال شهر تهران با استفاده از روش نمونه گیری در دسترس پرسشنامه تکمیل شد. همچنین از رویکردهای رایج در پژوهش های کمی (پیمایش) جهت سنجش اعتبار و پایایی ابزار سنجش پژوهش (پرسشنامه) استفاده شد. نخست از روش اعتبار صوری (توافق متخصصان) به منظور بررسی اعتبار ابزار سنجش در این مرحله استفاده شد. دوم به منظور احراز قابلیت اعتماد یا به عبارت دیگر پایایی ابزار سنجش در مرحله کمی پژوهش نیز با توجه به شیوه های مرسوم سنجش پایایی پرسشنامه شاخص های ضریب آلفای کرباخ استفاده شد. به منظور تحلیل داده ها با کمک نرم افزار SPSS از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۱. مقدار آلفای کرنباخ گویه‌ها

مقدار آلفای کرنباخ	تعداد گویه‌ها	متغیر
۰/۷۶۲	۱۰ گویه	سبک زندگی پست مدرن
۰/۷۴۰	۷ گویه	تمایز شدید
۰/۷۳۸	۷ گویه	سیالیت مصرف
۰/۷۴۷	۵ گویه	تمایل به بلاگری
۰/۷۸۹	۵ گویه	لذت پرستی مجازی
۰/۷۷۳	۵ گویه	برابری خواهی زنانه
۰/۷۳۵	۵ گویه	عاملیت زنانگی
۰/۸۲۳	۶ گویه	هویت سیال
۰/۷۲۲	۶ گویه	فردگرایی شدید
۰/۸۳۴	۶ گویه	مدیریت بدن
۰/۷۴۸	۵ گویه	سیالیت نیازها

همان گونه که نتایج جدول بالا نشان می‌دهد تمامی متغیرهای تحقیق دارای آلفای کرنباخ بیش از ۰/۷ بوده و میزان همبستگی بین گویه‌ها را در سطح قوی نشان می‌دهد و در نتیجه میزان پایایی ابزار تحقیق مورد تأیید است.

متغیرهای تحقیق

۱. تمایز شدید: به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۷ گویه استفاده شد و برخی گویه‌ها عبارتند از: ۱. تا جایی که ممکن است می‌خواهم خودم را از هر لحاظ از دیگران متمایز نشان بدهم. ۲. پوشیدن لباس‌های جدید و برند برای متمایز جلوه دادن از دیگران برایم خیلی مهم است، ۳. داشتن آرایش‌های جدید و مد روز برای متمایز بودن از دیگران را دوست دارم. ۴. داشتن خودروی لوکس برای متفاوت بودن از دیگران برای من مهم است.

۲. سیالیت مصرف: به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۷ گویه استفاده شد و برخی گویه‌ها عبارتند از: ۱. مصرف گسترده از انواع شبکه‌های مجازی را می‌پسندم، ۲. زندگی در جهان امروز کاملاً برپایه مصرف زیاد در همه چیز است.، ۳. تنوع در مصرف را خیلی دوست دارم.

۳. تمایل به بلاگری: به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۵ گویه استفاده شد و برخی گویه‌ها عبارتند از: ۱. الان بلاگری درآمد خوبی دارد و من هم این شغل را دوست دارم.، با بلاگر شدن شهرت پیدا می‌کنم و این لذت خوبی دارد.، ۳. به نظر من از طریق بلاگری می‌توان موقعیت و جایگاه خوبی در جامعه به دست آورد.

۴. لذت پرستی مجازی: به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۵ گویه استفاده شد و برخی گویه‌ها عبارتند از: ۱. دیگه الان فضای مجازی لذت خوبی به آدم می‌دهد.، ۲. گشت و گذار در فضای مجازی حس خوبی به من می‌دهد.، وقتی توی فضای گردش می‌کنم انگار لذت گردش در یک جهان واقعی را با خودم دارم.

۵. برابری خواهی زنانه: به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۵ گویه استفاده شد و برخی گویه‌ها عبارتند از: ۱. به نظرم زنان و مردان در تمامی امور برابر هستند.، ۲. زنان همانند مردان حق دارند در تمامی مشاغل وارد شوند.، ۳. زنان وظیفه ندارند که فقط کارهای خانه را انجام دهند.

- ۶. عاملیت زنانگی:** به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۵ گویه استفاده شد و برخی گویه ها عبارتند از: زنان همانند مردان توانایی انجام تمامی امور را دارند.، زنان استعدادی بهتر از مردان در برخی امور دارند.، زنان را در هیچ زمینه ای نمی توان دست کم گرفت.
- ۷. هویت سیال:** به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۶ سؤال استفاده شد و برخی گویه ها عبارتند از: من الگوهای متفاوت و متنوعی در زندگی ام دارم.، اکنون دیگر فقط قومیت یا ملیت لزوماً تعیین کننده هویت ما نیست.، در حال حاضر دین نقش چندانی در تعیین هویت ما ندارد.
- ۸. فردگرایی شدید:** به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۶ سؤال استفاده شد و برخی گویه ها عبارتند از: ۱. من اول از همه زندگی خودم مهم است و بعد زندگی دیگران.، ۲. کوشش می کنم بیشتر به دنبال منفعت شخصی خودم باشم.، ۳. اصلاً دوست ندارم کسی وارد حریم خصوصی ام بشود.
- ۹. مدیریت بدن:** به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۶ گویه استفاده شد و برخی گویه ها عبارتند از: ۱. من به بدن خودم خیلی اهمیت می دهم.، ۲. معمولاً به دنبال این هستم که بدن خودم را در وضع مطلوبی حفظ کنم.، ۳. اگر لازم باشد برای جراحی های زیبایی بدن اقدام می کنم.
- ۱۰. سیالیت نیازها:** به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۵ گویه استفاده شد و برخی گویه ها عبارتند از: ۱. در دنیای امروز آدم فکر می کند که هر روز یک نیاز جدیدی دارد.، ۲. الان نیازهای هر فرد خیلی بیشتر از گذشته شده اند.، ۳. من خودم دلم می خواهد که خیلی چیزها را داشته باشم.
- ۱۱. سبک زندگی پست مدرن:** به منظور سنجش این متغیر از طیف لیکرت با تعداد ۱۰ گویه استفاده شد و برخی گویه ها عبارتند از: ۱. من جهان را وطن خودم می دانم.، ۲. از چالش و تغییر در زندگی لذت می برم.، ۳. همیشه از نوآوری و چیزهای جدید در زندگی استقبال می کنم.، ۴. دوست دارم کاملاً به روز زندگی کنم.، ۵. دوست دارم در همه زمینه ها در حد و اندازه جهانی ظاهر شوم.

یافته های تحقیق

ارزیابی کلی داده ها و نمونه های بررسی شده نشان می دهد که دامنه سنی پاسخگویان از ۱۸-۳۵ سال بود که بیش تر پاسخگویان (۴۵ درصد) در رده سنی ۱۸-۲۱ سال قرار داشتند. همچنین به لحاظ وضعیت تأهل ۷۶/۵ درصد از پاسخگویان مجرد و بقیه متأهل و مطلقه بودند. ۵۰ درصد از پاسخگویان دارای تحصیلات کاردانی و کارشناسی، ۳۴ درصد کارشناسی ارشد و ۱۶ درصد نیز دکترا بودند. ۶۲/۵ درصد از پاسخگویان دارای مسکن و ۳۷/۵ درصد نیز مستأجر بودند. در نهایت این که به لحاظ درآمدی بیش تر پاسخگویان (۳۴/۵ درصد) دارای درآمد بین ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان بوده اند. از سوی دیگر توصیف متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق نیز به شرح جدول زیر است. مطابق با یافته های این جدول میانگین متغیر سبک زندگی پست مدرن به عنوان متغیر وابسته ۴/۲ در سطح بالا بوده است. در همین زمینه وضعیت میانگین متغیرهای مستقل نیز چنین بوده است: تمایز شدید (۴/۶)، سیالیت مصرف (۴/۳)، تمایل به بلاگری (۳/۹)، لذت پرستی مجازی (۴/۹)، برابری خواهی زنانه (۴/۲)، عاملیت زنانگی (۳/۸)، هویت سیال (۳/۷)، فردگرایی شدید (۴/۵)، مدیریت بدن (۴/۷) و سیالیت نیازها (۴/۱).

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای وابسته و مستقل

توصیف متغیرها (بر حسب درصد)						متغیرهای پژوهش	
جمع کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	
۱۰۰	۳۵	۳۰	۱۵	۱۲	۸	۴.۲	سبک زندگی پست مدرن
۱۰۰	۳۱	۴۲	۱۲	۱۰	۵	۴.۶	تمایز شدید
۱۰۰	۲۵	۲۷	۱۸	۱۴	۱۰	۴.۳	سیالیت مصرف
۱۰۰	۲۵	۳۰	۲۰	۱۵	۱۰	۳.۹	تمایل به بلاگری
۱۰۰	۲۸	۳۲	۲۱	۱۲	۷	۴.۹	لذت پرستی مجازی
۱۰۰	۳۴	۴۲	۱۲	۸	۴	۴.۲	برابری خواهی زنانه
۱۰۰	۳۰	۴۰	۱۱	۱۰	۹	۳.۸	عاملیت زنانگی
۱۰۰	۲۳	۲۸	۲۱	۱۶	۱۲	۳.۷	هویت سیال
۱۰۰	۳۲	۴۱	۱۲	۹	۶	۴.۵	فردگرایی شدید
۱۰۰	۳۶	۴۴	۱۰	۷	۴	۴.۷	مدیریت بدن
۱۰۰	۳۰	۴۳	۱۴	۸	۵	۴.۱	سیالیت نیازها

یافته های استنباطی

برای بررسی فرضیه های تحقیق از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

جدول ۳. وضعیت شاخص های همبستگی

سبک زندگی پست مدرن					متغیرها
آماره دوربین واتسون	انحراف استاندارد تخمین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	
۱/۷۵۵	۰/۴۶۹۹۷	۰/۴۲۳	۰/۴۲۵	۰/۷۱۴	میزان تمایز شدید
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۳۸۰	۰/۳۸۲	۰/۶۱۸	میزان سیالیت مصرف
۱/۶۸۴	۰/۴۲۵۴۶	۰/۴۰۷	۰/۴۰۹	۰/۶۳۹	میزان تمایل به بلاگری
۱/۷۴۲	۰/۴۲۴۵۶	۰/۴۰۹	۰/۴۱۱	۰/۶۷۸	میزان لذت پرستی مجازی
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۴۵۰	۰/۴۵۲	۰/۶۸۹	میزان برابری خواهی زنانه
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۴۵۳	۰/۴۵۵	۰/۶۹۴	میزان عاملیت زنانگی
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۴۱۰	۰/۴۱۲	۰/۶۵۳	میزان هویت سیال
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۵۱۹	۰/۵۲۱	۰/۷۱۲	میزان فردگرایی شدید
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۵۲۴	۰/۵۲۶	۰/۷۴۲	میزان مدیریت بدن
۱/۷۹۴	۰/۴۳۵۰۱	۰/۴۹۴	۰/۴۹۸	۰/۶۷۸	میزان سیالیت نیازها

ضرایب همبستگی به دست آمده نشان دهنده همبستگی قوی متغیرهای پیش‌بین (میزان تمایز شدید (۰/۷۱۴)، میزان سیالیت مصرف (۰/۶۱۸)، میزان تمایل به بلاگری (۰/۶۳۹)، میزان لذت پرستی مجازی (۰/۶۷۸)، میزان برابری خواهی زنانه (۰/۶۸۹)، میزان عاملیت زنانگی (۰/۶۹۴)، میزان هویت سیال (۰/۶۵۳)، میزان فردگرایی شدید (۰/۷۱۲)، میزان مدیریت بدن (۰/۷۴۲)، میزان سیالیت نیازها (۰/۶۷۸)) و متغیر معیار (سبک زندگی پست مدرن) است.

جدول ۴. وضعیت ضرایب تأثیر مؤلفه‌های وارد شده در مدل

متغیرها	ضرایب تأثیر		ضرایب تأثیر استاندارد	آزمون ضرایب	
	ضرایب	انحراف استاندارد		آماره t	p-مقدار
تمایز شدید	۰/۶۷۹	۰/۰۵۵	۰/۷۱۴	۱۲/۳۹۱	۰/۰۰۱
سیالیت مصرف	۰/۶۲۹	۰/۰۴۰	۰/۶۱۸	۱۵/۶۷۶	۰/۰۰۱
تمایل به بلاگری	۰/۵۲۳	۰/۰۳۲	۰/۶۳۹	۱۶/۵۸۲	۰/۰۰۱
لذت پرستی مجازی	۰/۵۲۳	۰/۰۳۲	۰/۶۷۸	۱۶/۵۸۲	۰/۰۰۱
برابری خواهی زنانه	۰/۶۲۹	۰/۰۴۰	۰/۶۸۹	۱۵/۶۷۶	۰/۰۰۱
عاملیت زنانگی	۰/۶۷۲	۰/۰۵۰	۰/۶۹۱	۱۴/۶۷۶	۰/۰۰۱
هویت سیال	۰/۵۷۸	۰/۰۴۱	۰/۵۲۸	۱۴/۱۴۷	۰/۰۰۱
فردگرایی شدید	۰/۶۸۹	۰/۰۵۴	۰/۷۱۲	۱۳/۵۲۴	۰/۰۰۱
مدیریت بدن	۰/۶۶۵	۰/۰۴۸	۰/۷۱۴	۱۴/۵۲۳	۰/۰۰۱
سیالیت نیازها	۰/۶۴۵	۰/۰۴۲	۰/۶۳۴	۱۵/۲۳۶	۰/۰۰۱

فرضیه اول

-به نظر می‌رسد میزان تمایز شدید در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «تمایز شدید و سبک زندگی پست مدرن» نشان می‌دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر ۰/۷۱۴ و p-مقدار به دست آمده نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده که بسیار کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می‌توان گفت: متغیر پیشین تمایز شدید می‌تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می‌گردد.

فرضیه دوم

-به نظر می‌رسد میزان سیالیت مصرف در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «سیالیت مصرف و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر $0/618$ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچکتر از $0/05$ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشین سیالیت مصرف می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه سوم

- به نظر می رسد که میزان تمایل به بلاگری در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «تمایل به بلاگری و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر $0/639$ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچکتر از $0/05$ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشین تمایل به بلاگری می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه چهارم

- به نظر می رسد که میزان لذت پرستی مجازی در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «میزان لذت پرستی مجازی و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر $0/678$ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچکتر از $0/05$ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشین تمایل به بلاگری می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان $0/95$ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه پنجم

- به نظر می رسد که میزان برابری خواهی زنانه در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر $0/689$ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر $0/001$ بوده که بسیار کوچکتر از

۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشبین سیالیت مصرف می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه ششم

- به نظر می رسد که میزان عاملیت زنانگی در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «عاملیت زنانگی و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر ۰/۶۹۴ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده که بسیار کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشبین عاملیت زنانگی می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه هفتم

- به نظر می رسد که میزان هویت سیال در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «سیالیت مصرف و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر ۰/۶۵۳ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده که بسیار کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشبین سیالیت مصرف می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه هشتم

- به نظر می رسد که میزان فردگرایی شدید در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر گذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «سیالیت مصرف و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر ۰/۷۱۲ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده که بسیار کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشبین سیالیت مصرف می تواند متغیر

ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه نهم

- به نظر می رسد که میزان مدیریت بدن در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیرگذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «سیالیت مصرف و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر ۰/۷۱۴ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده که بسیار کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشبین سیالیت مصرف می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه دهم

- به نظر می رسد که میزان سیالیت نیازها در بین زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیرگذار است.

نتایج به دست آمده از رگرسیون خطی بین «سیالیت مصرف و سبک زندگی پست مدرن» نشان می دهد که ضریب همبستگی و ضریب تأثیر به دست آمده برابر ۰/۶۳۴ و p -مقدار به دست آمده نیز برابر ۰/۰۰۱ بوده که بسیار کوچکتر از ۰/۰۵ بوده و معنادار بوده، پس می توان گفت: متغیر پیشبین سیالیت مصرف می تواند متغیر ملاک سبک زندگی پست مدرن را تحت تأثیر قرار دهد و آن را تبیین نماید. در نتیجه با اطمینان ۰/۹۵ این فرضیه تأیید و نقیض ادعا رد می گردد.

فرضیه های جمعیتی

- به نظر می رسد میزان سن زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تأثیر دارد. برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول شماره ۳۲. ضریب همبستگی میزان سن و سبک زندگی پست مدرن

سبک زندگی پست مدرن	میزان سن	
۰/۳۲۵	شدت رابطه	
۰/۰۰۲	سطح معناداری	
۳۲۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۲ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر سن و سبک زندگی پست مدرن همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۳۲۵ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت مناسب و با جهت مستقیم بین دو متغیر وجود دارد؛ لذا بر این اساس این فرضیه پژوهش حاضر تایید می شود.

- به نظر می رسد میزان درآمد زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تاثیر دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول شماره ۳۳. ضریب همبستگی میزان سن و سبک زندگی پست مدرن

سبک زندگی پست مدرن		
۰/۵۴۵	شدت رابطه	میزان درآمد
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۲۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر درآمد و سبک زندگی پست مدرن همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۵۴۵ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت مناسب و با جهت مستقیم بین دو متغیر وجود دارد؛ لذا بر این اساس این فرضیه پژوهش حاضر تایید می شود.

- به نظر می رسد میزان تحصیلات زنان جوان شهر تهران بر سبک زندگی پست مدرن آنان تاثیر دارد.

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول شماره ۳۴. ضریب همبستگی میزان سن و سبک زندگی پست مدرن

سبک زندگی پست مدرن		
۰/۴۲۱	شدت رابطه	میزان تحصیلات
۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۳۲۰	تعداد	

با توجه به مقدار معناداری محاسبه شده بین دو دامنه که برابر با ۰/۰۰۰ می باشد و چون این عدد کوچکتر از ۰.۰۵ است، لذا بین دو متغیر تحصیلات و سبک زندگی پست مدرن همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین با توجه به شدت همبستگی بدست آمده ما که برابر با ۰/۴۲۱ است، لذا همبستگی مثبت، با شدت مناسب و با جهت مستقیم بین دو متغیر وجود دارد؛ لذا بر این اساس این فرضیه پژوهش حاضر تایید می شود.

بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پدیده سبک زندگی سیال (شناور) تحت تأثیر عوامل متعددی چون: تمایز شدید، سیالیت مصرف، برابری خواهی زنانه، عاملیت زنانگی، لذت پرستی مجازی، مدیریت بدن، سیالیت نیازها، تمایل به بلاگری، هویت سیال و فردگرایی شدید قرار دارد. سبک زندگی سیال (شناور) که به عنوان متغیر وابسته تحقیق حاضر در نظر گرفته شد در حقیقت بیانگر نوعی سبک زندگی پست مدرن است که آن حاصل شرایط و زیست پست مدرن زنان حاضر در این پژوهش است. به عبارت دیگر، از آن جا که زنان این پژوهش زیست پست مدرن را در پیش گرفته اند لذا سبک زندگی آنان نیز بیانگر سبک زندگی پست مدرن یا همان سبک زندگی سیال (شناور) است. با ایجاد تمایز شدید در بین زنان از یک طرف و همچنین سیالیت مصرف از سوی دیگر به نوعی سبک زندگی پست مدرن نیز شکل می‌گیرد. این دو مقوله سیالیت مصرف و تمایز شدید هر دو مورد توجه دیدگاه‌های جامعه‌شناسان و اندیشمندان پست مدرنی چون زیگموند باومن در کتاب‌های زندگی مصرفی، عشق سیال و همچنین ژان بودریار در کتاب جامعه مصرفی بوده است. از نظر بودریار (۱۳۸۹) امروزه مصرف بر تمام وجوه زندگی ما چنگ انداخته است. از نظر بودریار مصرف رشته‌ای از اشیاء ساده نیست، بلکه سلسله‌ای از دال‌ها است، زیرا این اشیاء برای یکدیگر حکم فراشیء پیچیده‌تری را دارند و برای مصرف‌کننده، انگیزه‌های پیچیده‌تر را پدید می‌آورند. مصرف‌کننده از یک شیء به سمت شیء دیگر می‌رود، او در حساب اشیاء گرفتار می‌شود. همچنین تحقیق دهبانی پور و خرم پور (۱۳۹۵) همین مؤلفه‌های پست مدرن را به خوبی نشان می‌دهد.

در همین راستا دو عامل برابری خواهی زنانه و عاملیت زنانگی از جمله عوامل تأثیرگذار دیگر در شکل‌گیری و ایجاد سبک زندگی سیال (شناور) به عنوان سبک زندگی پست مدرن دخالت دارند. این دو متغیر به خوبی نشان از این موضوع مهم دارد که زنان پاسخگو در این تحقیق سبک زندگی پست مدرن را فقط در مدیریت بدن یا مصرف‌نمایشی و لذت پرستی مدگرایی خلاصه نکرده و عوامل دیگری چون عاملیت و برابری را نیز در بروز سبک زندگی پست مدرن تأثیرگذار دانسته‌اند. نتایج این تحقیق با نتایج تحقیق آریتا لاجوردی (۱۳۹۶) که اقدام به بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام نموده است همسو است.

در این پژوهش همچنین نتیجه گرفته شد که زنان با توجه به تمایل بالا به اقداماتی چون بلاگر بودن و لذت پرستی در فضای مجازی زمینه‌های تشدیدکنندگی سبک زندگی پست مدرن برای شان ایجاد شد. عمده‌زنانی که از آنان در خصوص بلاگری سوال شد این نتیجه به دست آمد که بلاگر بودن در زمینه‌هایی چون سفر، غذا، ورزش، هنر، آرایش و حتی امور اقتصادی از اهمیت زیادی برخوردار است. همچنین در خصوص لذت پرستی مجازی نیز مقولاتی چون: وابستگی مجازی، دوستی‌های مجازی، سیری ناپذیری، گشت زنی در فضای مجازی، عشق‌های مجازی و تقویت و افزایش ارتباطات برای زنان از اهمیت زیادی برخوردار بود. ضمن این که عواملی چون مدیریت بدن و سیالیت نیازها از جمله عوامل دیگری هستند که اثرگذار بر سبک زندگی پست مدرن این زنان بوده است. بدن که در جهان سنتی مورد سرکوب شدید بوده است و هیچ‌گونه جایگاهی برای عرضه شدن و به نمایش گذاشتن نداشته است در جهان مدرن و به ویژه در جهان پست مدرن هر چه بیش‌تر محل بروز و ظهور یافته است و بدنمندی نه فقط به لحاظ پزشکی و بهداشتی بلکه به لحاظ فرهنگی و اجتماعی و زیبایی‌شناسانه محل

توجه فراوان قرار گرفته است. مری داگلاس (۱۹۷۰) نیز در پژوهش خودش درباره بدنمندی به نتایجی به نسبت مشابه دست یافته است. داگلاس بدن را نمادی از جامعه می‌داند و معتقد است که بدن بهترین تصویر قابل دسترس از جامعه است. بدن مملو از نمادها و استعاره‌هاست و در آن می‌توان مطابقتی میان استقرار محدودیت‌های جسمانی در یک طرف و نظم اجتماعی در طرف دیگر مشاهده نمود.

ضمن این که هویت سیال (دیجیتالی) و فردگرایی شدید نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر گسترش سبک زندگی پست مدرن زنان جوان شهر تهران بوده است. زندگی فردگرایانه بیش از همه با شکل‌گیری مدرنیته آغاز شده است چرا که نوعی تمایز یافتگی و تفکیک یافتگی را با خود به دنبال داشته است. در واقع، فردگرایی محصول فرایندهای مدرنیته است که هرچقدر به سمت پست مدرنیته پیش می‌رویم این فردگرایی شدیدتر می‌شود. اگرچه در روند فردگرایی شدن افراد تمایل به استقلال و اتکاء به خویشان را دنبال می‌کنند اما در فردگرایی شدید که حاصل جهان پست مدرنیسم است ویژگی‌هایی چون: خودراهبری، استقلال اقتصادی، خوداتکایی، تنها زیستی، نومکان شدن، تقدم منافع فردی بر منافع جمعی و خودخواهی بیش تر خودنمایی می‌کند. در همین راستا هرنا هال (۲۰۱۳) در پژوهش خود به این نتایج دست یافت که سبک زندگی پست مدرن با ویژگی‌های کلیدی و مهمی چون: خود راهبری، تأکید بر روی نیازهای فردی، فردگرایی، تنهازیستی، خودتشخیصی، ترجیحات شخصی، سیال بودن امور، هویت شخصی و بازاندیشانه قابل بازشناسی و بررسی است. همچنین با نتایج تحقیق مرجان ربیعی (۱۴۰۰)، علی شیرخانی و خدیجه برزگر (۱۳۹۷) و محسن نیازی و هادی افرا (۱۳۹۷) نیز همسو بوده است.

منابع

- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰). روش پژوهش کیفی، گرنرد تئوری، ترجمه ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- ایسپا (۱۴۰۱). گزارش مصرف اینترنت و شبکه‌های مجازی در ایران.
- باکاک، روبرت. (۱۳۸۱). مصرف، ترجمه خسرو صبری. تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.
- باومن، زیگموند. (۱۳۹۶). عشق سیال، ترجمه عرفان ثابتی، تهران: ققنوس.
- بست، استیفن و داگلاس، کلنر. (۱۳۸۱). بودریار در مسیر پسامدرنیته «ترجمه‌ی فرزانه سجودی»، نشریه هنر و معماری زیباشناخت، شماره ۱، صص ۱۸۱.
- بودریار، ژان. (۱۳۸۹). جامعه مصرفی، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: ثالث.
- بودریو، پیر. (۱۳۹۰). تمایز، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر مرکز
- حبیب پور گنابادی، کرم و رضا صفری شالی. (۱۳۹۸). سنخ‌شناسی سبک زندگی زنان شهر تهران، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ش ۸۵، صص ۷-۲۷.
- دهبانی پور، رضا و یاسین خرم پور. (۱۳۹۵). بررسی مولفه‌های پست مدرنیسم و عوامل مرتبط با آن در شهر یزد، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، دوره ۴، ش ۳، صص ۵۳-۷۷.
- ربیعی، مرجان. (۱۴۰۰). مطالعه فرایند هویت‌یابی و سیاست زندگی زنان در شبکه‌های اجتماعی (مورد مطالعه: زنان کاربر اینستاگرام)، رساله دکتری، دانشگاه خوارزمی.

- ریترز، جرج. (۱۳۸۹). نظریه های جامعه شناسی معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر نی
- سیدمن، استیون. (۱۳۹۱). کشاکش آراء در جامعه شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
- شیرخانی، علی و خدیجه بزرگر. (۱۳۹۷). پست مدرنیسم و هویت سیال فمینیسم، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال دهم، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۹۷، صص ۴۵-۶۲.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲). سبک زندگی، قم: انتشارات صبح صادق.
- فدوی، جمیله. (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و نوع سبک زندگی با متغیر میانجی شخصیت زنان ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا.
- کوهستانی، سمانه. (۱۴۰۲). رسانه ای شدن زندگی روزمره (مطالعه ای بر سلبیتهای ایرانی در شبکه های اجتماعی مجازی) رساله دکتر، دانشگاه گیلان.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه، ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- لاجوردی، آریتا. (۱۳۹۶). بازنمود سبک زندگی زنان جوان ایرانی در شبکه اجتماعی اینستاگرام، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سوره.

-نیازی، محسن و هادی افرا. (۱۳۹۷). بازسازی معنایی هویت شخصی پست مدرن در شهر بجنورد، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، ش ۸۲، صص ۳۱-۶۹.

- Bakak, Robert. (2002). Consumption, translated by Khosrow Sabri. Tehran: Shirazeh publishing house, first edition. (in persian)
- Best, Stephen and Douglas, Kellner. (2002). Baudrillard in the path of postmodernity" translated by Farzan Sejoudi, Aesthetic Art and Architecture Journal, No. 1, pp. 181. (in persian)
- Baumann, Sigmund. (2017). Eshgh Siyal, translated by Irfan Sabeti, Tehran: Qoqnoos. (in persian)
- Baudrillard, Jean. (2000). Consumer society, translated by Pirouz Izadi, Tehran: Third. (in persian)
- Bourdieu, Pier. (2010). distinction, translated by Hasan Chavoshian, Tehran: Nashr-e-Markaz.(in persian)
- Chaney, D.(1996), lifestyles, London: Sage.
- Cockerham, W. (1997). Lifestyles, social class, demographic characteristics, and health behavior. In D. Gochman (Ed.) Handbook of health behavior research I: Personal and Social determinants (pp.253-265). New York: Plenum Press.
- Dehbanipour, Reza and Yasin Khorrampour. (2015). Investigating the components of postmodernism and factors related to the rejection of the city of Yazd, Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies, Volume 4, Volume 3, pp. 53-77.(in Persian)
- Douglas, M. (1996). "Natural Symbol"s, London: Routledge.
- Fadavi, Jamile. (2023). Investigating the relationship between the use of virtual social networks and the type of lifestyle with the mediating personality variable of women aged 20 to 50 in Tehran, Master's thesis, Al-Zahra University. (in persian)
- Featherstone, Mike. (1999). "Body Modification: An Introduction", Body and Society, Vol. 5, No. 2-3, PP. 1-13.
- Fazli, Mohammad. (2012). Lifestyle, Qom: Sobh-e Sadeh Publications.(in persian)
- Kouhestani, Samaneh. (2023). Mediatization of daily life (a study on Iranian celebrities in virtual social networks) PhD dissertation, Gilan University. (in persian)
- Giddens, Anthony. (2003). Modernity and individuality, society and personal identity in the new era, translated by Nasser Moafaqian, Tehran: Nei Publishing. (in persian)
- Habibpour Gatabi, Karam and Reza Safari Shali. (2018). Ethnology of women's lifestyle in Tehran, Women's Strategic Studies Quarterly, Vol. 85, pp. 27-7.(in persian).

- Hall,Herna.(2013).The impact of postmodernism on the functioning of young adults, Phd degree thesis, Department of social work, university of Pretoria.
- Isfa (2022). Internet consumption report and virtual networks in Iran. (in persian)
- Lajevardi, Azita. (2016). Representing the lifestyle of young Iranian women on the Instagram social network, Master's thesis, Soore University. (in persian)
- Niazi, Mohsen and Hadi Afra. (2017). Semantic reconstruction of postmodern personal identity in Bojnord city, Social Sciences Quarterly of Allameh Tabatabai University, Vol. 82, pp. 31-69. (in persian)
- Rabiei, Marjan. (2021). Studying the identification process and the politics of women's lives in social networks (case study: female Instagram users), doctoral thesis, Khwarazmi University. (in persian)
- Ritzer, George. (2010). Contemporary Sociological Theories, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Ney Publishing.(in persian)
- Seidman, Steven. (2013). Conflict of opinions in sociology, translated by Hadi Jalili, Tehran: Ney Publishing.(in persian)
- Shirkhani, Ali and Khadija Barzegar. (2017). Postmodernism and Feminism's Fluid Identity, Political Studies Quarterly, Year 10, Number 40, Summer 2017, pp. 45-62. .(in persian)
- Strauss, Anselm and Juliet Corbin (2010). Qualitative Research Method, Grounded Theory, translated by Ebrahim Afshar, Tehran: Ney Publishing.(in persian)
- Turner, Bryan.S. .(1996). “Body and Society”, London: Sage.
- Veblen, T. (1899). The Theory of the Leisure Class: An Economic Study of Institutions. New York: The Macmillan Company.